

سید محمد علی داعی الاسلام و فرهنگ نظام وی

پروفسور ریخانه خاتون*

سید محمد علی در اواخر قرن سیزدهم هجری قمری (شاید در سال ۱۲۵۴ هـ/۱۸۳۸ م) در روستای نیاک^۱ از توابع لاریجان^۲ آمل^۳ چشم به جهان گشود. پدرش سید فضل الله از سادات حسینی ایرانی بود. محمد علی در سن پنج سالگی در آمل به مکتب رفت و به فراگیری قرآن و خوش‌نویسی پرداخت و نصاب‌الصبيان را در همان مکتب فراگرفت. بعد از آن به تحصیل صرف و نحو عربی، فقه، اصول و حکمت روی آورد. سپس در مدرسه سپه‌سالار تهران به تحصیل ریاضی و ادبیات فارسی پرداخت. وی در سال ۱۳۱۶ هـ/۱۸۹۸ م به اصفهان رفت و در خدمت ملا محمد کاشانی و جهانگیر خان قشقایی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و از محافل ادبی رکن‌الملک شیرازی^۴ کسب فیض کرد. وی در آن دیار با مسیحیان مناظرات مذهبی داشت و تفصیلات آن را در

♦ استاد و رئیس بازنشسته بخش فارسی، دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. فرهنگ معین، ج ۶، ص ۲۱۶۵؛ دهستان بالا لاریجان، شهرستان آمل (مازندران)، در شش کیلومتری خاوری رینه، کوهستانی، سرد سیر، زیارت گاه امام زاده حسن دارد.
۲. فرهنگ معین، ج ۶، ص ۱۷۷۸: یکی از بخش‌های شهرستان آمل، هوای آن سردسیر است. آب‌های معدنی بسیاری مانند آب گرم؛ آب اسک و آب فرنگی در نقاط مختلف لاریجان وجود دارد. مرکز آن قصبه دینه است.
۳. آمل یکی از شهرهای مهم ایران و در ۲۴۰ کیلومتری شمال تهران واقع است. مردمان این ناحیه به فارسی و لهجه مازندرانی سخن می‌گویند و شیعه مذهب‌اند. دانشمندان بزرگ مانند محمد بن جریر طبری، فضل بن احمد زهری، میر بزرگ و سید حیدر آملی از همین شهر هستند. (معین ج ۶، ص ۶۰).
۴. معین ۶۰۴: رکن‌الملک سلیمان شیرازی در سال ۱۲۵۴ هـ ق در شیراز متولد شد و در سال ۱۳۳۱ هـ ق وفات یافت. وی علاوه بر جنبه حکمرانی، شاعر و نویسنده‌ای زبردست و با ذوق بود و در شعر «خلف» تخلص می‌کرد.

ماهانامه دعوت‌الاسلام که مدیریت و ویراستاری آن به عهده او بود، چاپ می‌کرد. مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴ هـ/۱۸۹۵-۱۹۰۶ م) او را به لقب داعی‌الاسلام سرفراز کرد. وی در همان زمان به آموختن زبان انگلیسی و عبرانی روی آورد. وی در سال ۱۲۸۳ ش/۱۳۲۴ ق/۱۹۰۶ م. به حج بیت‌الله مشرف گشت و از آنجا رهسپار هند شد^۱ و در ممبئی اقامت گزید. وی در ممبئی بالخصوص و در سراسر هند بالعموم به عنوان مبلغ دینی و درویش معروف بود و به منظور انجام مناظره در شهرهای مختلف هند، از دعوت به عمل می‌آمد. وی مثل یک سیاح به سیر و سیاحت به نقاط مختلف هند پرداخت و از اهل هر دین و ملت هرچه می‌شنید، آن را می‌نوشت^۲. وی بعد از سه سال اقامت در ممبئی به دعوت میر عثمان علی خان، نظام حیدرآباد و بنیانگذار دانشگاه عثمانیه، به حیدرآباد آمد و به حیث استاد زبان فارسی در دانشگاه انتخاب شد و حدود ۲۵ سال به تدریس پرداخت. وی در همان زمان به فراگیری زبان‌های اردو، گجراتی و سانسکریت سرگرم شد چندانکه در رشته زبان شناسی شرقی دانش گسترده‌ای به دست آورد. وی بر زبان پهلوی و اوستایی هم مسلط بود. وی تقریباً ۱۲ سال زحمت کشید و یک فرهنگ مفصل تهیه کرد که به هزینه نظام حیدرآباد چاپ شد. دولت اسلامی دکن سید محمد علی، معلم ادبیات فارسی، را در سال ۱۳۲۶ ق/۱۹۰۸ م به ایران فرستاد تا در آنجا برای تألیف یک فرهنگ جدید و جامع واژه‌های زبان فارسی موافق عصر جدید، مواد جمع کند^۳. وی به ایران رفت و در مدت سه سال به شهرهای مختلف ایران سفر کرده و مواد برای کار خود جمع کرد مثلاً اشتقاقات و استعمال الفاظ و تعبیرات و معانی قدیمه و جدیده آنها را مورد بررسی قرار داد. این کار وی لایق تحسین بسیار است. کتاب‌هایی که تاکنون در لغت فارسی نوشته شده مثل این فرهنگ نیست و در حقیقت لغات و اصطلاحاتی که در این فرهنگ گردآوری شده است در شعر نیز بکار می‌رود و آن را فرهنگ اشعار نیز می‌توان گفت^۴. داعی‌الاسلام گاه گاهی شعر هم

۱. دانشنامه حسن انوشه، ص ۱۱۴۵؛ فرهنگ‌نویسی فارسی، ص ۲۵۶.

۲. فرهنگ نظام، ج ۱، ص ۲۹.

۳. همان، تقریظ عمادالملک سید حسین بلگرامی، ص یک.

۴. فرهنگ نظام، ص پنج؛ فرهنگ‌نویسی، ص ۲۵۷.

می‌گفت و از سبک هندی پیروی می‌کرد. اشعار وی شامل قصاید، غزل، مثنوی، مسمط و قطعات است ولی متأسفانه این اشعار تا امروز به صورت یک مجموعه گردآوری نشده است. وی گاه گاهی اشعار خود را در فرهنگ خود در ذیل شرح معنی واژه درج نموده است. جنبه‌های فلسفی، انتقادی و اجتماعی بن‌مایه سروده‌های اوست. وی واژه‌نامه فارسی به فارسی خود را که آن را فرهنگ نظام نام گذاشته بود، در پنج مجلد به نام نظام حیدرآباد معنون کرد. وی آثار دیگری نیز به صورت مقالات پرارزش از خود بجا گذاشته که در مجلات مختلف چاپ شده است:

۱. اقبال و شعر فارسی، حیدرآباد ۱۳۰۵ هـ
 ۲. ترجمه تاریخ نادرشاه تألیف مارتیمو دیورانند خاورشناس
 ۳. خط آسان برای تعلیم عمومی، خط داعی، حیدرآباد، ۱۳۷۱ هـ
 ۴. خط لاتین برای فارسی، حیدرآباد، ۱۳۰۷ هـ
 ۵. سه مسمط، تهران، ۱۳۲۲ ش.
 ۶. شعر و شاعری عرفی، حیدرآباد، ۱۲۹۴ هـ
 ۷. شعر و شاعری عصر جدید ایران، حیدرآباد، ۱۳۰۵ هـ
 ۸. فارسی جدید، ج ۲، حیدرآباد، ۱۲۹۰ هـ
 ۹. ترجمه ونیدداد، بخش سوم، اوستا به فارسی، حیدرآباد، ۱۳۲۷ هـ^۱
- وی در سال ۱۳۷۱ هـ/ ۱۸ نوامبر ۱۹۵۱ میلادی در حیدرآباد دکن فوت کرد.^۲ بعضی تذکره‌نویسان می‌گویند که وی بعد از جنگ جهانی دوم به ایران برگشته و همانجا داعی اجل را لبیک گفت.

فرهنگ نظام در پنج مجلد با تقطیع بزرگ رحلی در مجموع دارای ۲۳۷۱ صفحه است که تألیف آن از سال ۱۳۴۶ هـ/ ۱۹۲۷ م تا سال ۱۳۵۸ هـ/ ۱۹۳۹ م که جلد پنجم آن به اختتام رسید، به طول انجامید و بعدها به سرمایه نظام حیدرآباد از مطبع اعظم، استیم پریس، چهار مینار، حیدرآباد دکن به چاپ رسید.^۳ هر مجلد دارای مقدمه

۱. دانشنامه انوشه، ص ۱۱۴۵.

۲. فرهنگ‌نویسی، ص ۲۵۶.

۳. مقدمه نظام، شماره ۴۰، ص ۲۲۴-۲۲۶؛ فرهنگ‌نویسی، ص ۲۵۶؛ مقدمه برهان قاطع، ج اول، ص ۷۵.

مفید مولف است. این فرهنگ به خط نستعلیق و به صورت سنگی چاپ شده و دارای حدوداً سی هزار لغت است^۱ و به مناسبت اعانت نظام حیدرآباد به نام وی موسوم شده است.

جلد اول فرهنگ نظام شامل حروف «الف» و «ب» در ۸۰۷ صفحه و حاوی کلمات و مقدمه‌ای سودمند است که در سال ۱۳۴۶ هـ/۱۹۲۷ میلادی به چاپ رسید.

جلد دوم از حرف «ب» تا «خ»، دارای ۷۲۸ صفحه و شامل مقدمه ۲۰ صفحه‌ای مؤلف است که در سال ۱۳۵۱ هـ تمام شده و به چاپ رسیده است.

جلد سوم از حرف «دال» تا «غین»، دارای ۷۵۸ صفحه و شامل مقدمه ۲۵ صفحه‌ای است و در سال ۱۳۵۳ هـ/۱۳۱۳ ش/۱۳۴۳ فصلی/۱۹۳۴ م. چاپ رسیده است.

جلد چهارم از حرف «ف» تا «لام» و دارای ۵۱۹ صفحه و مقدمه ۹۶ صفحه‌ای است و در سال ۱۳۵۶ هـ/۱۳۱۶ ش/۱۳۴۷ فصلی/۱۹۳۸ م. چاپ شد.

جلد پنجم که آخرین جلد فرهنگ نظام است، مشتمل بر ۵۶۴ صفحه و حاوی حروف «میم» تا «ی» و مقدمه‌ای دارای ۵۲ صفحه است که از بعضی جهات بسیار مهم است. این مجلد در سال ۱۳۳۸ هـ/۱۳۱۸ ش/۱۳۴۸ فصلی/۱۹۳۹ م. به چاپ رسید.

کلمات و اصطلاحات گردآوری شده در این واژه‌نامه بیشتر در شعر بکار می‌روند بنابراین حاصل سعی و زحمات مؤلف، بیشتر مورد استفاده علاقمندان به شعر و ادب قرار می‌گیرد. کتب لغت در اغلب موارد ذخیره‌ای از الفاظ و کلمات مورد استفاده در شعر بود و لغاتی که مربوط به نثر یا محاوره بوده در نظر لغت‌نویسان اهمیت و ارزش به سزایی نداشته و به همین دلیل مورد توجه خاص آنان قرار نگرفته و در تألیفات آنها شامل نشده است. ولی بدون تردید کلمات و اصطلاحات ادبی یک زبان در هر مقداری که باشد، کلیه سرمایه آن را تشکیل نمی‌دهد زیرا که مسلماً هر زبان دارای واژه‌ها و ضرب‌المثل‌هایی هم می‌باشد که با شعر و شاهکارهای ادبی آن سر و کاری نداشته و همواره مورد نیاز عوام و توده مردم است^۲.

۱. فرهنگ‌های فارسی، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۲. فرهنگ نظام، ج ۱، ص ۱.

زبان زنده هسته مرکزی و اصل خزائن لغوی را فراهم می‌کند و عدم شمول آن در کتب فرهنگ مظهر نقص برجسته‌ای در کار مؤلفین و لغت‌نویسان به شمار می‌رود. مؤلف نظام به این نکته و به این حقیقت کاملاً پی برده بود و به وسیله تألیف خود سعی نموده است تا نواقص و اغلاط کتب اسلاف را رفع کند. وی در کتاب خود علاوه بر لغاتی که در فرهنگ‌های قبلی وجود داشت، لغات محاوره زبان و تکلم مردم را نیز داخل کرده است و به همین سبب فرهنگ وی دارای کلمات شعری و نثری و محاوره‌ای هم هست.

حقیقت این است که اساس ترقی و پیشرفت زبان در ترتیب کتاب لغت جامع است، شعبه‌ای از ادبیات که به قول مولف نظام، ایرانیان و هندیان تا آن زمان از آن غافل بودند. عجیب این است که لغت جامع عربی هم تا آن وقت تدوین نشده بود. مردم هند از همان ابتدای قرن پنجم هجری که شروع به آموختن زبان فارسی به عنوان زبان علمی کردند، حاجت به لغت جامع فارسی را احساس کرده بودند.

محمد داعی‌الاسلام به این نیاز مردم پاسخ داد و پس از سعی بسیار این فرهنگ ضخیم و حجیم را به رشته تحریر درآورد. این فرهنگ بسیار محیط و دارای تمام لغات مستعمل فارسی است. اصطلاحات و کنایات و استعارات مختص به نظم و نثر، خواه آنچه در مکالمات معمولی روزمره مستعمل است، با کمال مهارت با موارد استعمال و ذکر امثال در این واژه‌نامه مندرج شده است. مؤلف در ذیل هر لفظ تفصیل و شرح آن را درج نموده است. به طور مثال از چه زبانی گرفته شده و دارای چند معنی است و در چه مواردی به کار برده می‌شود و امثله استعمال و امثال آن را هم نوشته است.

معمولاً فرهنگ‌نویسان فارسی برای شرح هر لفظ، آوردن سند شعری را لازم می‌دانند ولی در این فرهنگ از این طریق کمی اجتناب شده است. مؤلف برای سند لغت گاهی شعر می‌آورد و گاهی برای استعمال امروزه لفظ یک جمله به صورت مکالمه آورده است؛ برای استعمال لغات علوم مختلف از همان شعبه مثال آورده است و برای الفاظی که مخصوص به شعراند، شهادت یا سند از اشعار آورده است. پس از این روش معلوم می‌شود که مقصود مؤلف، گذاشتن اساس لغت‌نویسی بر اساس نیاز

زمان خود بوده تا پیروان وی براساس این فرهنگ عمارت بزرگ و مستحکم زبان و ادب را بسازند.

مؤلف ما به نواقص و اغلاط کتب مشهوره لغت فارسی واقف بوده و از این موضوع هم اطلاع داشته که هرچه که مؤلفان گذشته نوشته‌اند تماماً مبنی بر اشعار فارسی و شرح آن است و بعضی از آنها مخصوص الفاظ قدیمی و متروک و الفاظ زبان ولایتی است و بعضی دارای عموم الفاظ شعر. به علاوه وی به علم تطبیق اللغات که از علوم مستحدثه است، نیز آشنا بود و به همین سبب اثر وی بر تمام لغت فارسی رجحان کلی پیدا کرد و شرحی نیز که در دیباچه مجلد اول راجع به موضوع فرهنگ‌نویسی در نگارش آورده بسیار سودمند و مفید است. تحقیقاتی که مؤلف در ذیل واژه‌ها نموده بسیار عالمانه و محققانه و دال بر احاطه کامل وی بر تاریخ زبان و رسایل لغت نویسی متقدمین است.^۱ مؤلف در فرهنگ خود الفاظ عربی مستعمل در ادب فارسی را نیز درج نموده است.

مؤلف نظام با این اثر خود نه تنها ادبیات باستانی ایران را زنده و پاینده کرد بلکه شعرهای حافظ، سعدی، سنایی، انوری و امثال آنها را نیز زنده نگه داشت و بقا داد و راه ترقی ادبیات نوین و ادبای آینده را بسیار سهل و آسان کرد و زبان شیرین فارسی را مانند یکی از بزرگترین و درخشان‌ترین زبان‌های دنیا و فرهنگ آن را بزرگترین فرهنگ عمده ساخت. وی این زبان شیرین را زبان بین‌المللی و واسطه تفاهم زبان مردم عامه کرد و توسط فرهنگ نظام زبان فارسی یکی از اساسی‌ترین زبان‌های اصیل شرقی شده است.^۲

بسیاری از الفاظ عربی در زبان فارسی مستعمل بوده است. مؤلف به نقاط مختلف ایران سفر کرد و سعی نمود که الفاظ فارسی بدل الفاظ عربی را از زبان‌های دیگر ایران پیدا کند و او در کوشش خود موفق شد و بیشتر الفاظ فارسی را از زبان‌های دیگر منتخب کرد. وی می‌خواست از زبان پهلوی که زبان ادبی و زبان عامه زمان ساسانیان و

۱. فرهنگ نظام، ج ۲، ص ۳

۲. همان، ج ۵، ص ۱.

اشکانیان بود، الفاظی را بیابد ولی امکان نداشت چرا که پهلوی دیگر رواج نداشت و کتب ادب آن معدود بود که تا زمان مؤلف قرأت نشده بود.

مؤلف در تدوین فرهنگ خود این نکات را مدنظر داشته است:

- در ذیل واژه‌های غیر فارسی این نکته را اضافه کرده است که اصل این واژه از چه زبانی گرفته شده است مثلاً پهلوی، ولایتی، عربی، ترکی و غیره و به کدام شهر منسوب است.
- الفاظ غیر فارسی که سند شعری نداشت یا متروک‌الاستعمال بود یا تقلبی بود، را حذف کرده است و از آوردن الفاظ زند و پازند و اوستا که بعضی فرهنگ‌نویسان آنها را در فرهنگ‌های خود داخل کرده‌اند، خودداری نموده است و اگر گاهی آن واژه‌ها را آورده، ماخذ آن را هم در ذیل معنی نوشته تا اگر اعتراضی وارد شود بر آن ماخذ باشد و نه بر مؤلف فرهنگ نظام.
- وی الفاظ درج شده در فرهنگ را به سه دسته تکلمی، الفاظ نثری و الفاظ شعری تقسیم کرده و محل استعمال آنها را با امثله بیان کرده است و تلفظ هر لفظ را به صورت حروف منفصل فارسی و حروف اعراب مأخوذ از خط اوستایی آورده است و معانی و مشتقات دستوری هر فعل را از قبیل ماضی، مضارع، امر، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مصدر به رشته تحریر در آورده است.^۱
- در تلفظ هر کلمه تلفظ تهرانی را بهتر دانسته و همان را نوشته چون وی تهران را مرکز علوم ایران و فارسی آن شهر را معتبر و مستند می‌دانست.
- مؤلف نظام واژه‌هایی که مرکب‌اند و یا مجدداً بکار برده شده‌اند و فرهنگ‌نگاران پیشین آنها را در فرهنگ‌های خود جا داده بودند، را ترک کرده است.
- در صورتی که واژه اسم باشد، طریق مصدر مرکب ساختن از آن واژه را نیز ذکر کرده است. مثل راه رفتن از واژه راه.
- مخفف و مبدل واژه اگر مخفف یا مبدل دارد، را هم در تألیف خود جا داده است.
- نحوه ساختن اسم فاعل ترکیبی از واژه‌ای مثل ستم نیز توضیح داده است.

۱. فرهنگ معین، ج ۶، ص ۱۳۵۸ (اعلام).

- واژه اگر واحد است، جمع آن و اگر جمع است واحد آن را هم شرح داده است.
- اگر واژه‌ای در ضرب‌المثلی به کار رفته، آن را هم ذکر کرده است.^۱
- اگر در املای برخی کلمات بین ایرانی‌ها و هندی‌ها اختلاف وجود دارد، آن را هم بیان نموده است. مثلاً افکندن یا کشادن را در ایران با کاف و در هند با کاف فارسی (گ) خوانند و دو سرکش گزارند. به نظر مولف گاف فارسی یا املای هندی از همه بهتر است. مولف روش هندیان را پیروی نموده و در ذیل هر واژه و هر حرف تبدیلات سماعی آنها را نشان داده است تا اشتباهی واقع نشود.
- واژه‌هایی که در این فرهنگ نقل شده است سه نوع است:
- اول واژه‌های مستعمل روزمره مانند خوردن، رفتن، آوردن و مانند آن، چه مخصوص برای جماعتی باشد مانند الفاظ هر صنعت و حرفت و چه الفاظ ادارات دولتی و امثال آنها. این گونه واژه‌ها را مؤلف از زبان محاوره مردم کوچه و بازار گرفته و از فرهنگی استفاده نکرده است.
- دوم واژه‌های نثری که از کتاب‌های نثر گرفته شده نه از فرهنگ‌های قبلی
- سوم واژه‌های مخصوص شعر که از فرهنگ‌های قدیمی اخذ شده است و در بیان معنی هر واژه شعری به مأخذ آن نیز اشاره شده است. فرهنگ‌نویسان معتبر برای بیان معنی واژه‌ها به طور سند اشعاری را نقل می‌کردند که آن واژه در آن واقع شده است. مولف فرهنگ نظام معنی و مفهوم واژه‌ها را عیناً از فرهنگ‌های دیگر نقل ننموده بلکه اول در معنای واژه دقت کرده و پس از آن یا همان معنی مندرج در فرهنگ‌های دیگر را نقل کرده یا به فهم خود آن را توضیح داده است. پس دانش و فهم وی مسئول و پاسخگوی آن معنی است نه دیگران.^۲
- جلد دوم فرهنگ دیباچه مفیدی دارد و عناوین زیر در آن مورد بحث قرار گرفته‌اند: اهمیت سانسکریت برای السنه آریایی، حروف تهجی سانسکریت، اشکال

۱. برای توضیحات بالا رجوع کنید به لغت‌نامه، ج ۱، ص ۲۲۶؛ فرهنگ‌های فارسی، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ فرهنگ نظام ج ۱، ص ۴۱.

۲. لغت‌نامه، ج ۱، ص ۲۲۶، فرهنگ‌های فارسی، ص ۱۷۲-۱۷۳، فرهنگ معین (اعلام)، ج ۶، ص ۱۳۵۸؛ فرهنگ نظام، ج ۱، ص ۳۹.

خط زبان سانسکریت، آیا سانسکریت گاهی زبان مکالمه بوده است، سانسکریت زبان شعر است، ریشه‌یابی واژه‌ها در سانسکریت، تشکر از برهمنان و اهمیت زبان‌های غیر از ایران مانند ترکی، عربی، فرانسوی، اخذ الفاظ ولایتی و محلی برای فارسی، اخذ الفاظ جدید عربی برای فارسی، اقسام الفاظ عربی مستعمل در فارسی، نقص دیگر کتب لغت عربی، آمیزش ترکی با فارسی و حروف اعراب اوستا.

مؤلف نظام در دیباچه جلد سوم به چند نکته مهم اشاره کرده است:

تشکیل زبان فارسی، اسمای جامد در فارسی، افعال و مصادر در فارسی، اهمیت مصادر و افعال در تشکیل زبان، آمیزش در فارسی، آوازهایی که تکلم فارسی را تشکیل می‌دهد، آوازه‌های اعرابی فارسی، واو و یای مجهول و معروف، آوازه‌های اصلی فارسی، حروف اعراب، جدول تطبیقی حروف فارسی با همدیگر، حروف اعراب از اوستا و غیره.

بعد از انتشار جلد سوم چنین شایعه شد که ایران می‌خواهد زبان خود را از الفاظ غیر فارسی پاک کند و به جای الفاظ عربی، ترکی و فرنگی، واژه‌های فارسی را جایگزین کند. در همان زمان از فرهنگستان که برای وضع واژه‌های نوین فارسی تشکیل شده بود، کتابچه «لغت‌های نو» منتشر شد و مؤلف در جلد چهارم و پنجم این کتاب آن را داخل نمود. در دیباچه جلد چهارم فرهنگ نظام این موضوعات به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است:

اهمیت زبان سانسکریت، خودآموز زبان سانسکریت، باب اول: در علم املا؛ باب دوم: ترکیب حروف باهم؛ باب سوم: در حفظ واژه و جملات و حکایات؛ باب چهارم: اسم؛ باب پنجم: مذکر و مؤنث؛ باب ششم: کلمه؛ باب هفتم: مشتقات اسم؛ باب هشتم: ضمائر؛ باب نهم: باقی ضمائر؛ باب دهم: بعضی از مشتقات حال و ماضی؛ باب یازدهم: مشتقات فعل مضارع و ماضی؛ باب دوازدهم: اعداد؛ باب سیزدهم: طریق ساختن فعل ماضی؛ باب چهاردهم: مشتقات مذکر و مؤنث، باب پانزدهم: در تبدیل بعضی از آن تبدیل‌های سماعی و قیاسی؛ باب شانزدهم: عدد مقید؛ باب هفدهم: فعل در سانسکریت؛ باب هجدهم: فعل مجهول؛ باب نوزدهم: باقی مشتقات اسمی؛ باب بیست و یکم: فعل مستقبل؛ باب بیست و دوم: مصدر جعلی، اسم فاعل، مفعول، اسم قابلیت، حروف نفی، تانیث و جواب؛ باب بیست و سوم: فعل؛ باب بیست و چهارم: مرکبات،

در همه باب‌ها تمرین هم داده شده است که آن را به عنوان خودآموز ذکر کرده است. مجلد پنجم فرهنگ نظام هم دیباچه سودمندی دارد. در آن ابتدا در مورد فرهنگ شعرنویسی فارسی و پس از آن درباره لغت‌های متعددی به تفصیل نوشته است. مانند: **لغت فرس**: نوشته ابومنصور احمد بن علی اسدی طوسی تألیف ۱۰۰۸ هـ/۱۵۹۹ م، در شهریور سال ۱۳۶۵ ش از انتشارات خوارزمی ایران به تصحیح فتح‌الله مجتبائی و علی اشرف صادقی چاپ شده است.

فرهنگ قطران (فرهنگ شعری) مولف فرهنگ نظام درباره آن اطلاع داده که تا آن زمان نسخه دیگری از آن در کتابخانه‌های دنیا یافت نشده است.

صحاح الفرس از محمد هندوشاه نخجوانی تألیف ۷۲۷ هـ/۱۳۲۶ م. که به اهتمام طاعتی از تهران در سال ۱۳۴۱ ش چاپ شده است.

معیار جمالی تألیف شمس‌الدین محمد بن سعید شمس فخری اصفهانی، اختتام ۷۴۵ هـ/۱۳۴۴ م. این فرهنگ به تصحیح دکتر صادق کیا از چاپخانه دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷ ش انتشار یافته است.

فخر قواس تألیف فخرالدین مبارکشاه قواس غزنوی (تألیف: ۶۹۰ هـ/۱۲۹۱ م) اولین فرهنگ فارسی در هند که به اهتمام پروفیسور نذیر احمد از تهران در سال ۱۳۵۳ ش و برای بار دوم از کتابخانه رضا رامپور در سال ۱۹۹۹ میلادی چاپ شد.

بحرالفضائل فی منافع الافاضل اثر رشیدالدین فضل‌الله که در سال ۷۹۵ هـ/۱۳۹۲ م. تألیف شده است. نسخه خطی این لغت که در دسترس مؤلف نظام بود فقط تا آخر حرف کاف در خط تحریر هندی بود.

ادات الفضلا تألیف قاضی بدرالدین محمد دهلوی (۸۲۲ هـ/۱۴۱۹). نسخه‌ای که در دسترس وی بوده بسیار غلط بوده و حتی نام کتاب به غلط آداب الفضلا نوشته شده است که حتما اشتباه کاتب است.

شرف‌نامه منیری تألیف ابراهیم قوام فاروقی منیری بهاری که در زمان باریک شاه عالم در سال ۸۷۷ هـ/۱۴۷۲ م نوشته شده و نسخه در دست مؤلف، قدیمی، به خط ثلث و کم غلط بوده است. دکتر حکیمه دبیران این فرهنگ را با تصحیح، مقدمه و

تعلیقات از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران در سال ۱۳۸۶ ش به چاپ رسانیده است.

مفتاح الفضلا نوشته محمد بن داود بن محمود شاه‌آبادی، (تألیف: ۸۷۳/هـ/۱۴۷۸ م.)
تحفة السعادت یا فرهنگ اسکندری اثر محمود بن شیخ ضیاءالدین محمد (تألیف ۹۱۶/هـ/۱۵۱۰ م.) دو نسخه خطی کامل و یک نسخه ناقص از این فرهنگ در دست مولف نظام بود.

مویدالفضلا از محمد بن لاد دهلوی (تألیف: ۹۲۵/هـ/۱۵۱۹ م.) دو نسخه این اثر در دست مولف بوده است. تاریخ کتابت نسخه اول سال ۱۰۳۵/هـ/۱۵۲۵ م است و نسخه دوم تاریخ کتابت ندارد.

کشف اللغات عبدالرحیم بن احمد سور. این فرهنگ در اوایل قرن دهم هجری یعنی در سال ۹۳۲/هـ/۱۵۲۵ م نوشته شده و مولف ما چند نسخه از این فرهنگ را در دست داشت. این لغت از مطبع ثمر، لکهنو چاپ شده است.

فرهنگ وفایی از حسین وفایی، در اوایل قرن دهم هجری یعنی در سال ۹۳۳ هـ نوشته شده و نسخه‌ای که پیش مولف نظام بود، در سال ۱۱۱۰/هـ/۱۶۹۸ م کتابت شده است.

فرهنگ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی
فتح‌الکتاب اثر ابوالخیرین سعدالانصاری (تألیف: ۹۹۱/هـ/۱۵۳۸ م.) نسخه مؤلف سال کتابت نداشت.

مجموع اللغات اثر ابوالفضل بن شیخ مبارک وزیر کبیر اکبر شاه (تألیف: ۹۹۴/هـ/۱۵۸۳ م) نسخه مورد استفاده نظام پر از اغلاط بود. این فرهنگ چاپ شده است.

مدارالافاضل اثر الله داد فیضی سرهندی (تألیف: ۷ ذی‌الحجه ۱۰۰۱/هـ/۱۴ سپتامبر ۱۵۹۲ م.) دو نسخه از این اثر در دست محمد داعی‌الاسلام بوده، یکی به خط نستعلیق خوشخط مورخ ۱۰۸۷/هـ/۱۶۶۷ م که اغلاط بسیار داشت و دیگری مورخ ۱۰۱۸/هـ/۱۶۰۹ م، که کم غلط بوده و به کوشش دکتر محمد باقر در سال ۱۳۴۹ ش در چهار مجلد از لاهور انتشار یافته است.

مجمع‌الفرس سروری (تألیف ۱۰۲۸/هـ/۱۶۱۸ م) مولفش محمد قاسم سروری است و به کوشش دبیر سیاقی در ۳ مجلد در سال ۱۳۳۸-۱۳۵۱ ش از تهران انتشار یافت.

فرهنگ جهانگیری اثر میر جمال‌الدین حسین انجوی شیرازی (تألیف: ۱۰۱۷/هـ ۱۶۰۸ م) مؤلف نظام به یک نسخه مطبوعه و یک نسخه مورخ ۱۶۷۲ م، به خط نستعلیق خوشخط و بسیار کم غلط دسترسی داشته است. این فرهنگ به تصحیح دکتر محمد عقیقی در سه مجلد از مشهد در سال ۱۳۵۱ ش چاپ شده است.

فرهنگ چهار عنصر دانش اثر امان‌الله حسین ملقب به خانه‌زاد خان فیروز جنگ که در عهد جهانگیر ۱۰۱۴/هـ ۱۶۰۵ م تا ۱۰۳۷/هـ ۱۶۲۷ م تألیف شده است.

جمع‌الجوامع اثر علی محمد بن شیخ عبدالحق محدث دهلوی (تألیف ۱۰۴۵/هـ ۱۶۳۶ م)، نسخه‌ای که پیش مؤلف بود قدیمی و با خط خوش نستعلیق بود ولی تاریخ کتابت نداشت.

لطایف اللغات از مولوی عبدالطیف بن عبدالله عباسی گجراتی، تألیف ۱۰۴۸/هـ ۱۶۳۸ م، فرهنگ مثنوی معنوی هم می‌گویند. نسخه چاپی که نزد مؤلف نظام بوده از مطبع نولکشور، لکهنو در سال ۱۳۰۵/هـ ۱۸۸۷ م چاپ شده و کم غلط هم بوده است.

برهان قاطع از محمد حسین برهان بن خلف تبریزی (تألیف ۱۰۶۲/هـ ۱۶۵۱ م) در سال ۱۳۴۲/۱۳۳۵ ش/۱۳۵۷/۱۳۶۱ ش/۱۳۶۲ ش از چاپخانه سپهر تهران منتشر شده است.

فرهنگ رشیدی اثر عبدالرشید تتوی (تألیف ۱۰۶۴/هـ ۱۶۵۳ م) در سال ۱۳۳۷ ش از تهران به چاپ رسیده است. محمد عباسی نیز در سال ۱۲۸۹/هـ ۱۸۷۲ م آن را از رایل ایشیاتک سوسایتی کلکته به چاپ رسانده است.

بحراللغات اثر شیخ حسین بن شیخ حسن (تألیف: ۱۰۶۹/هـ ۱۶۵۸ م)، نسخه موجود در دست مؤلف نظام به خط نستعلیق و خوشخط بود و تاریخ کتابت هم نداشت.

گنج‌نامه علی بن تیفوز بسطامی (تألیف ۱۰۱۸/هـ ۱۶۰۹ م)، نسخه موجود در دست مؤلف نظام به خط مؤلف بوده است.

لغات عالمگیر، تألیف فاضل محمد دهلوی، در سال ۱۱۱۸/هـ ۱۷۰۶ م به رشته تحریر درآمده و نسخه موجود نزد مؤلف نظام خوشخط، کهنه ولی بدون تاریخ کتابت بوده است.

اشهراللغات از غلام‌الله بهکن صدیقی هانسوی غزنوی (تألیف ۱۰۸۲/هـ ۱۶۷۱ م) نسخه در دست مؤلف نظام خوشخط و نستعلیق بوده و فرزند مؤلف آن را در سال ۱۱۴۶/هـ ۱۷۳۳ م. کتابت کرده بود.

سراج اللغات اثر سراج الدین علی خان آرزو (تألیف ۱۱۴۷ هـ/ ۱۷۳۴) که به تصحیح دکتر ریحانه خاتون از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تهران در سال ۱۳۸۳ ش انتشار یافته است.

چراغ هدایت اثر سراج الدین علی خان آرزو (تألیف ۱۱۴۷ هـ/ ۱۷۳۴) بار اول به کوشش محمد دبیر سیاقی و دوباره به کوشش منصور ثروت از چاپخانه سپهر تهران در سال ۱۳۶۳ ش انتشار یافت.

محمود اللغات (فرهنگ بهار دانش): اثر شیخ محمود بن شیخ عبدالواحد (تألیف: ۱۱۵۰ هـ/ ۱۷۳۷ م.) نسخه نظام تاریخ کتابت نداشت و به خط نستعلیق بود.

بهار عجم از رای لاله تیک چند بهار (تألیف ۱۱۵۲ هـ/ ۱۷۳۹ م) چند مرتبه به چاپ رسیده است، چاپ اخیر از مطبع طلائی، تهران در سال ۱۳۷۹ ش با تصحیح دکتر کاظم دزفولیان است.

گنج اللغات (فرهنگ گلستان، بهار دانش، اسکندرنامه، انشای یوسفی) اثر گردهاری لعل فرخ آبادی (تألیف ۱۱۷۶ هـ/ ۱۷۶۲ م) نسخه مؤلف نظام در سال ۱۲۴۱ هـ/ ۱۸۲۵ کتابت شده و به خط تحریری هند مغلوط بود.

مصطلحات الشعراء، از وارسته مل سیالکوتی (تألیف ۱۱۸۰ هـ/ ۱۷۶۶ م) نسخه مؤلف نظام بسیار کم غلط بوده و در سال ۱۳۰۵ هـ/ ۱۸۸۷ م کتابت شده و بعداً از مطبع نامی لکهنو چاپ شده است.

شرف اللغات اثر میر حسن دهلوی (تألیف ۱۲۱۱ هـ/ ۱۷۹۶ م) نسخه مؤلف نظام در سال ۱۲۱۹ هـ/ ۱۸۰۴ کتابت شده بود.

فرهنگ مجملی اثر حافظ ملک قمرالدین (تألیف سال ۱۱۸۰ هـ/ ۱۷۶۶ م) در نسخه مؤلف نظام سال کتابت ۱۲۵۴ هـ/ ۱۸۳۸ م. درج شده ولی شواهد نداده است.

فرهنگ یوسفی از غلام یوسف بن غلام پیر (تألیف: ۱۲۰۰ هـ/ ۱۷۸۵ م) نسخه نظام مورخه ۱۲۷۴ هـ/ ۱۸۵۷ م بود.

قسطاس اللغات از شیخ نورالدین محمد یوسف که در سال ۱۲۱۴ هـ/ ۱۷۹۹ م نوشته شده است. نسخه نظام در صفحات بزرگ بود و هر صفحه دارای دو ستون و مقابل هر لفظ معنی مختصر آن نوشته شده بود. تاریخ کتابت نداشت.

- شمس اللغات اثر مولفی ناشناس است و به خواهش بریتو جیمز در سال ۱۲۱۹ هـ/ ۱۸۰۴ م تألیف شده، و چند مرتبه به چاپ رسیده است.
- اصطلاحات الشعرا اثر رحیم‌الدین بن کریم‌الدین (تألیف سده سیزدهم هجری) نسخه نظام تاریخ کتابت نداشت.
- هفت قلزم از غازی‌الدین حیدر (تألیف ۱۲۲۹ هـ/ ۱۸۱۳ م) نسخه مولف نظام چاپی بوده که در سال ۱۲۹۶ هـ/ ۱۸۷۸ چاپ شده بود.
- غیاث اللغات اثر محمد غیاث‌الدین رامپوری، تألیف ۱۲۴۲ هـ/ ۱۸۲۶ م، به کوشش دبیر سیاقی در دو مجلد از تهران به چاپ رسیده است.
- تسهیل اللغات اثر شیخ احمد ملقب به حسرت بن شیخ عبدالصانع صدیقی، (تألیف ۱۲۵۹ هـ/ ۱۸۴۳ م) تاریخ کتابت نسخه نظام ۱۲۷۳ هـ/ ۱۸۵۶ م بود.
- فرهنگ جعفری اثر جعفر علی خان بن نواب معین‌الدوله انتظام‌الملک عنایت علی خان (تألیف سال ۱۲۵۹ هـ/ ۱۸۴۳ م)
- برهان جامع تألیف در سال ۱۲۶۰ هـ/ ۱۸۴۴ م
- بحر عجم اثر خان بهادر مولوی محمد حسین راقم قادری (تألیف ۱۲۶۸ هـ/ ۱۸۵۱ م) نسخه نظام چاپی بوده که در سال ۱۲۷۷ هـ/ ۱۸۶۰ از مطبع غوثیه مدارس به چاپ رسیده بود. نسخه به خط خوش نستعلیق و بی غلط بوده است.
- انجمن آرای ناصری، تألیف رضا قلی خان هدایت. این فرهنگ در سال ۱۲۸۸ ش از تهران به چاپ رسیده است.
- ارمغان آصفی از محمد عبدالغنی خان غنی، تألیف ۱۲۹۰ هـ/ ۱۸۷۳ م و سال چاپ ۱۳۲۲ هـ/ ۱۹۰۴ م.
- فرهنگ آنند راج از منشی محمد پادشاه متخلص به شاد (تألیف ۱۳۰۶ هـ/ ۱۸۸۸) زیر نظر دبیر سیاقی در ۷ مجلد از تهران در سال ۱۳۳۵ ش چاپ شده و در سه مجلد از مطبع نولکشور لکهنو هم انتشار یافته است.
- آصف اللغات از نواب عزیز جنگ بهادر، در سال ۱۳۲۵ و ۱۳۴۰ به چاپ رسید.
- فرهنگ نوبهار، در ۱۳۴۸ هـ/ ۱۳۰۸ ش از تبریز منتشر شده است.

فرهنگ کاتوزیان از محمد علی کاتوزیان که در قرن چهاردهم هجری یعنی ۱۳۵۱ هـ/ ۱۳۱۱ ش به خط نستعلیق کتابت شده و از تهران چاپ شده است.

نقش بدیع از وجاهت حسین عندلیب، تألیف در سال ۱۳۴۲ هـ/ ۱۹۲۳ م. اقنوط عجم یکی از قدیمی‌ترین فرهنگ‌های فارسی به ترکی است. نسخه‌ای که پیش مولف نظام بود در سال ۸۹۸ هـ/ ۱۴۹۲ م کتابت شده است و اکنون در کتابخانه بودلین نگهداری می‌شود.

شامل اللغات فرهنگ فارسی به ترکی اثر حسن بن حسین عماد قره حصار که در بین سالهای ۸۸۹ هـ/ ۱۴۸۴ م تا ۹۱۸ هـ/ ۱۵۱۲ نوشته شده است.

قائمه لطف‌الله، لغت فارسی به ترکی از قائمه لطف‌الله بن یوسف حلیمی. لغت نعمت‌الله اثر نعمت‌الله، نسخه نظام مورخ ۹۹۳ هـ/ ۱۸۵۸ م و به خط نستعلیق خوشخط بود.

مؤلف فرهنگ نظام تمامی فرهنگ‌های ذکر شده را هنگام تصحیح و تدوین فرهنگ خود پیش روی خود داشته است که بعضی از آنها چاپی و بعضی غیر چاپی و بعضی دو تا سه نسخه خطی داشتند. پس ما می‌توانیم بگوییم که مولف در زمان تألیف اثر خود ذخیره مفید و مهم فرهنگ‌ها را در اختیار داشته است.

مؤلف در مجلد اول فرهنگ دو مثنوی از سروده‌های خود را آورده است. یکی به عنوان «خطاب به اعلی حضرت دکن» و دومی برای اظهار خلوص خود به عنوان «مادر وطن». وی جلد دوم را به اعلی حضرت سلطان‌العلوم عثمان خان، نظام حیدرآباد تقدیم نموده است.

ترتیب واژه‌ها در این فرهنگ به صورت جدید و نوین یعنی براساس حروف تهجی (حروف الفبایی) است و مولف سعی نموده است که حرف دوم و سوم واژه‌ها را نیز در این ترتیب بندی در نظر بگیرد. واژه‌های مندرج در نظام بیشتر فارسی است و گاه گاه واژه‌های عربی و ترکی نیز در آن یافت می‌شود. پژوهش در معنی و اشتقاق واژه‌ها کمتر به نظر می‌آید.^۱ اشاره‌های صرفی و شرح و توضیح معانی الفاظ مفرد و مرکب و

۱. دانشنامه انوشه، ج ۲، ۱۹۶۳.

اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های روزمره و مفاهیم محلی برخی از کلمات با توضیح کافی درج شده است. در بعضی از موارد به منظور توضیح مطالب تصاویر و نقشه‌هایی نیز آورده شده است.

در این فرهنگ علاوه بر لغات عربی، ترکی و زبان‌های دیگری که در نتیجه تحولات سیاسی تدریجاً جزو زبان فارسی شده بود، الفاظی از زبان‌های اروپایی نیز جا گرفته است که مؤلف همه را مورد نقد قرار داده است. در ضمن شرح معانی، اسناد شعری و نثری و محاوره‌ای هم مورد استفاده قرار گرفته است. در ذیل هر لغت توضیح داده شده است که از چه زبانی مأخوذ است، کاربرد علمی، ادبی دارد و یا مخصوص بانوان می‌باشد و یا کسبه و بازاری‌ها از آن استفاده می‌کنند. همچنین به این مورد نیز اشاره شده است که واژه مورد نظر اسم است یا فعل، اگر فعل است ماضی است یا مضارع، اگر اسم است چه نوع اسمی است، مصدر، اسم فاعل، مفعول و یا... واژه طبی است یا جغرافیایی. در مورد اصل و ریشه واژه‌ها نیز تحقیق شده است.

در آخر ما می‌توانیم بگوییم که فرهنگ نظام یکی از مهمترین و ارزشمندترین فرهنگ‌های فارسی به فارسی و قابل استفاده و مفید برای دوره جدید و نوین است. قبلاً هیچ فرهنگی به این روش و به این تفصیل نوشته نشده است. ما فرهنگ‌های چند جلدی داریم ولی مانند این فرهنگ هر مجلد مقدمه مفید جداگانه ندارد.

این فرهنگ کمیاب است پس لازم است که مجدداً چاپ بشود تا محصلان زبان و ادب فارسی بیش از پیش از آن استفاده کنند. ولی کار خیلی مشکل است و وقت زیادی می‌خواهد و کار یک یا دو نفر نیست و باید یک سازمان یا موسسه با همکاری فضلاء این کار را انجام دهند. دولت ایران برای تدوین، تصحیح و چاپ این فرهنگ محمد داعی را به جایزه «ستاره نشان اول» مفتخر گردانیده بود و عکس این سپاسنامه و نشان در مجلد پنجم فرهنگ آورده شده است.

کتابنامه

۱. انوشه؛ حسن، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ایران، ۱۳۸۰ ش.
 ۲. حسین بن خلف تبریزی، مجله برهان قاطع، به کوشش دکتر محمد معین، موسسه انتشارات کبیر، تهران، ج اول، ۱۳۶۲ ش.
 ۳. داعی الاسلام، سید محمد، فرهنگ نظام، چاپ تهران، ۱۳۶۲ هـ.
 ۴. داعی الاسلام، سید محمد، فرهنگ نظام، ج اول، چاپ مطبع اعظم استیم پریس، چهار منار، حیدرآباد دکن، ۱۳۴۶ هـ.
 ۵. داعی الاسلام، سید محمد، فرهنگ نظام، ج دوم، چاپ ۱۳۵۱/هـ/۱۳۱۱ ش/۱۹۳۲ م.
 ۶. داعی الاسلام، سید محمد، فرهنگ نظام، ج سوم، چاپ ۱۳۵۳/هـ/۱۳۱۳ ش/۱۹۳۴ م.
 ۷. داعی الاسلام، سید محمد، فرهنگ نظام، ج چهارم، چاپ ۱۳۵۶/هـ/۱۳۱۶ ش/۱۹۳۹ م.
 ۸. داعی الاسلام، سید محمد، فرهنگ نظام، ج پنجم، چاپ ۱۳۵۸/هـ/۱۳۱۸ ش/۱۹۳۹ م.
 ۹. دبیر سیاقی، سید محمد، فرهنگ‌های فارسی به فارسی، انتشارات آرا، تهران، چاپ دوم با اضافات، ۱۳۷۵ ش.
 ۱۰. شهریار نقوی، دکتر، فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، چاپخانه دانشکده تهران، ایران، ۱۳۴۱ ش.
 ۱۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین، مقدمه، شماره مسلسل ۴۰، چاپخانه دولتی، تهران، ایران، دی - اسفند ۱۳۳۷ ش.
 ۱۲. معین، دکتر محمد، فرهنگ معین، ج اول، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش.
 ۱۳. مقاله از احمد نیکویخت، داعی‌الاسلام، مجله دانش، سال دوم شماره ۷۵، مرکز تحقیقات فارسی پاکستان و ایران، اسلام‌آباد، پاکستان، آذرماه ۱۳۳۰ ش.
17. History of Indo Persian Literature, by Nabi Hadi, Iran Culture House, New Delhi. 2001.